

## زندگی کاری

## یک کاپیتان کشتی

«گراهام استوداون»، خبرنگار روزنامه گاردین، در بندر فلیکس استو به سراغ «روی والان» رفته تا در مورد زندگی کاری او به عنوان یک کاپیتان کشتی باری صحبت کند. خلاصه‌ای از این گزارش را با هم می‌خوانیم. «روی والان» پنجاه و پنج ساله، کاپیتان کشتی باری به نام «کیتبرا» متعلق به کمپانی بزرگ مرسک، چهلمین سالی است که زندگی خود را روی دریا می‌گذراند. مردی قیراق و بشاش، با سیل‌های کشیده و عینکی گرد که هیچ شباهتی به ملوان بدخلق‌ی که من در تصورات خود داشتم، ندارد. والان نقشه‌ای از یک دریا را با خود دارد که در نگاه اول کم‌خطر به نظر می‌رسد؛ الگویی از مسیرهای کشتی‌رانی در آب‌های پُر ازدحام محدود به سواحل آفریقا، عمان، پاکستان و هند. اما تنها وقتی که از نزدیک‌تر نگاه می‌کنم و کلمات «نمودار طرح ضد دزد دریایی» را که در گوشه‌ای از نقشه مهر شده است، می‌بینم، هدف اصلی برایم روشن می‌شود. «در کل این منطقه ممکن است مورد حمله قرار بگیریم.» والان این را در حالی می‌گوید که با انگشت خود محدوده خلیج عدن را که به کانال سوئز منتهی می‌شود، نشان می‌دهد. «اینجا ناحیه‌ای است که به شدت محافظت می‌شود، اما با این حال برای دزدان دریایی مثل یک آهن‌رباست! چون آن‌ها می‌دانند که تمام کشتی‌ها اینجا خواهند بود. پس تمام کاری که آن‌ها باید بکنند این است که قبل از ارتش به آنجا برسند.» با وجود اینکه نقشه وجود دارد، والان به سختی می‌تواند تهدید مواجهه با دزدان دریایی را تخفیف دهد. شش ماه از سال، والان وظیفه دارد تا بار کشتی را در امن‌ترین و به صرفه‌ترین حالت ممکن تحویل دهد. آن‌ها برای مسیر خود برنامه مشخصی دارند و این به این معنی است که والان و خدمه اش، از هر هفت هفته، سه هفته را در آب‌هایی سپری می‌کنند که مورد هجوم دزدان دریایی قرار دارد. طی این مدت، کشتی در حالت هشدار کامل قرار دارد و خدمه پنجره‌ها را تیره کرده و خود را درون کشتی حبس می‌کنند. در حال حاضر فضای کشتی آرام است و همین طور که ما از راهروها عبور می‌کنیم، خدمه را در حال جنب‌وجوش و اجرای وظایفشان می‌بینیم. کابین‌های خصوصی والان به خوبی با کاناپه‌ها، یک میز کار و یک تلویزیون چیده شده‌اند. چند کارت کریسس آنجاست که یکی از آن‌ها از طرف دو فرزند والان است؛ رایان هشت ساله و الکساندری سه ساله. والان تعطیلات کریسمس را روی دریا سپری می‌کند. او می‌گوید: «این خیلی سخت است. مخصوصا برای بچه‌ها.» وقتی والان روی دریاست، هر روز کار می‌کند و گاهی اگر شرایط ایجاب کند ۲۴ ساعت بیدار است. مثلا وقتی شرایط جوی بد است یا برنامه جابه‌جایی در بندر وجود دارد. شش ماه دیگر سال را والان در خانه خود سپری می‌کند که آزادی زیادی را به او می‌دهد که البته کاملا به درک خانواده‌اش بستگی دارد. به نظر می‌رسد این روندی است که والان از وقتی ازدواج کرده و صاحب فرزند شده است، هنوز به آن عادت نکرده. او می‌گوید: «بسیار سخت است بعد از ۱۰ هفته کار مداوم، دوباره بخوایم خودم را با شرایط متفاوت وفق دهیم. هفته اول بعد از رسیدن به خانه، طبیعتا دلم می‌خواهد فقط بخوابم.» والان بهترین نکته در مورد کار خود را این گونه توصیف می‌کند: «سفر به خانه و داشتن همسری که وقتی من از خانه دور هستم، می‌تواند از عهده هر چیزی برآید، به جز کنترل حرارت مرکزی!» او در مورد بدترین جنبه کار خود، به دزدان دریایی اشاره می‌کند و همچنین مواقعی که خدمه مبتلا به یک بیماری جدی می‌شوند توضیح می‌دهد: «در این مواقع ما باید در حد یک تیم پزشکی از آن‌ها مراقبت کنیم تا به یک بندر برسیم.»

منبع: گاردین



## قصه زندگی آدم‌ها

صفحه آدم‌ها جایی برای قصه گفتن است. می‌خواهیم در این صفحه هفته‌نامه آئینو، قصه آدم‌ها را برای شما بگوییم؛ آدم‌هایی که همیشه پیرامون ما هستند. آدم‌های معمولی که مثل مادر کارشان موفق می‌شوند، شکست می‌خورند، می‌برند و می‌بازند. آدم‌هایی که مثل ما گریه می‌کنند، می‌خندند، شادند و گاهی غمگین! آنهایی که مثل ما عاشق می‌شوند و برای زندگی می‌جنگند. قصه آدم‌هایی که ما باشیم در این صفحه نگارش می‌شود. شما هم اگر کسی در اطرافتان می‌شناسید که قصه زندگی‌اش شنیدنی است، به ایمیل kimia.kimia@gmail.com پیام دهید و بگویید تا قصه او را بنویسیم.



یکشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۸ ● شماره صد و نود و پنج

A T I V E H N O

## زیروبم زندگی روی سکوی گازی

# کار روی سکو؛ درست وسط دریا!



پورزند خاطره عجیبی از اولین باری که روی سکو قرار گرفته، دارد: «اولین بار خیلی هیجان‌انگیز بود، ولی وضعیت دریا خراب شد. من هم هیچ کس را نمی‌شناختم، احساس می‌کردم در یک زندانم، آن قدر کم آورده بودم که می‌خواستم بر گردم.

می‌توانند از محیط خارج شوند و بروند برای خودشان بچرخند تا حالشان عوض شود. یک محیط کوچک است و ممکن است در همان روز، ۲۰ بار همدیگر را ببینند. این است که باید افراد آستانه تحملشان را بالا ببرند و اعصابشان آن قدر قوی باشد که بتوانند شرایط را هندل کنند. اگر این طور نباشند، کم می‌آورند و نمی‌توانند در سیستم بمانند. خیلی‌ها هم نمی‌توانند تحمل کنند و به خشکی برمی‌گردند.»

### پول و علاقه

پورزند به این کار علاقه زیادی دارد و می‌گوید: «من شغلم را دوست دارم و معتقدم اگر کارت را دوست نداشته باشی، نمی‌توانی شرایط را تحمل کنی. البته چون سطح درآمد افرادی که روی سکو هستند، بالاتر است، کسانی هم ممکن است به این خاطر این شغل را قبول کنند.»

او درباره سطح درآمد خود می‌گوید: «این مسئله خیلی بستگی به نوع مدارک و تخصص و رزومه فرد دارد و شخص به شخص متفاوت است. به همین دلیل اختلاف درآمد بالاست. الان با این سابقه کار و تخصصی که دارم، متوسط درآمد من ۱۰ میلیون تومان است. از اول هم فراساحل کار می‌کردم. این راهم در نظر داشته باشید که کار ما زمانی که روی سکو هستیم، ۲۴ ساعته است و مثل پزشکان کشیک، باید آن کال باشیم. چون سکو ۲۴ ساعته کار می‌کند و تجهیزات فعال اند، اگر جایی مشکلی پیش بیاید، به دلیل اهمیت استراتژیک این کار، همان موقع باید موضوع حل شود. تازه حقوقی که در حال حاضر دریافت می‌کنم، حقوق سه سال پیش من است و به خاطر شرایط اقتصادی کشور حقوقم تغییری نکرده است. این در حالی است که به جز ایران، این کار در همه جای دنیا، کاری بسیار پردرآمد است. اما در ایران به دلیل حجم بالای متقاضی کار، برخی کارفرمایان از این موضوع سوءاستفاده می‌کنند.» کسانی که روی سکو کار می‌کنند، بیمه تامین اجتماعی هستند، ولی او اطلاع دقیقی ندارد که آیا این بیمه با سختی کار محاسبه می‌شود یا نه: «تا جایی که می‌دانم آن‌هایی که روی کشتی کار می‌کنند سختی کار می‌خورند، ولی بعید می‌دانم کسانی که روی سکو هستند، این مورد شامل حالشان شود.»

پورزند اضافه می‌کند: «این هم خیلی مهم است که ما روی سکو در اصل داریم پول جابجایی را می‌گیریم. درست است که تا جای ممکن از بروز حوادث پیشگیری می‌کنیم، ولی باز هم ممکن است حادثه‌ای پیش بیاید. مثل اینکه یک لوله به مرور زمان و به خاطر شرایط طبیعی خورده و سوراخ شود و گاز بیرون بزند و انفجار اتفاق بیفتد. خب هرکسی در آن منطقه باشد، درجا می‌میرد.»

استراحت دارند. به همین خاطر کسانی که بچه دارند، نمی‌توانند روابط صمیمانه با آن‌ها برقرار کنند و بچه‌هایشان با آن‌ها غریبی می‌کنند. همین باعث می‌شود فشار زیادی بر خانواده‌ها باشد. به علاوه چون محیط سکو بسیار آرام و ساکت و دور از هیاهو است، اصولا تنها هستند. هرچند پرسنل با هم دوست می‌شوند، ولی این دوستی‌ها هم عموما سطحی است. به همین خاطر آدم‌ها بعد از مدتی به افرادی گوشه‌گیر و منزوی تبدیل می‌شوند. این هم مسئله سختی است که اگر اتفاقی برایشان بیفتد، امکاناتی وجود ندارد که سریع به دادرمان برسند.»

### مثل یک زندان

پورزند خاطره عجیبی از اولین باری که روی سکو قرار گرفته، دارد: «اولین بار خیلی هیجان‌انگیز بود، ولی وضعیت دریا خراب شد. من هم هیچ کس را نمی‌شناختم و خیلی احساس تنهایی می‌کردم. احساس می‌کردم در یک زندانم، آن قدر کم آورده بودم که می‌خواستم برگردم. یک کابین کوچک دو در یک داشتم و در جک‌آپ بارج ساکن بودم. آن قدر اوضاع دریا بد بود که حتی نمی‌توانستم بروم روی سکو و کارم را شروع کنم. اوضاع این جک‌آپ‌بارج‌ها هم با هم تفاوت دارد. بعضی‌ها تلویزیون دارند و بعضی نه. در برخی مواقع هم سرویس‌های بهداشتی عمومی است و باید چند دقیقه برویم تا بتوانیم به یک سرویس بهداشتی برسیم. خلاصه در آن یک هفته آن قدر فشار روحی رویم بود که داشتم خفه می‌شدم. این را هم در نظر داشته باشید که آنجا موبایل آنتن نمی‌دهد. فقط یک تلفن اینترنتی آنجا هست که همه از همان استفاده می‌کنند. بعضی جاها اینترنت هم نیست. خب آن سال‌ها که من کارم را شروع کردم، همان امکانات هم نبود. به کاپیتان گفتم که من واقعا نمی‌توانم شرایط را تحمل کنم و می‌خواهم برگردم. این موضوع را به رئیس‌م انتقال دادند، ولی او گفت از این خبرها نیست و باید بمانی.» او معتقد است، هرکسی نمی‌تواند در این شرایط دوام بیاورد: «باید کسی که می‌خواهد روی سکو کار کند، از نظر روحی و روانی بسیار قوی باشد تا بتواند شرایط را تحمل کند. فرض کنید دو نفر دعوایشان بشود. اگر این‌ها در شهر باشند،

قسمت‌های مختلفی دارد: از پسماند فعالیت‌های کاری‌مان گرفته تا یک لیوان پلاستیکی یا فیلتر سیگاری که روی سکو مصرف می‌شود و حتی پسماند سیستم بهداشتی نفرات، ولی متأسفانه به این بخش در ایران چندان توجه نمی‌شود. کار دیگر ما فرهنگ‌سازی و آموزش است که دائم باید دوره‌های مختلفی برای کارکنان برگزار کنیم و آن‌ها را به روز نگه داریم تا خطرات را به حداقل برسانیم.»

او هرچند تحصیلاتش را در حوزه حقوق جزا گذرانده، اما با گذراندن دوره‌های آزاد و گرفتن سرتیفیکیت‌های مرتبط توانسته وارد این حرفه شود. حرفه‌ای که حداقل در بخش سکو‌ها کاملا مردانه است و در ایران هیچ زنی اجازه فعالیت در آن را ندارد، در حالی که در کشورهای عربی این امکان برای زنان نیز وجود دارد. هرچند برخی از زنان می‌توانند شانس استخدام شدن در دفاتر و شرکت‌ها را داشته باشند، ولی این صنعت تنها در ید مردان است.

### سال‌های دور از خانه

پورزند معتقد است، سخت‌ترین بخش کار روی سکو، به جز سختی‌ها و خطراتی که خواه ناخواه و به‌رغم رعایت همه موارد ایمنی، پرسنل را تهدید می‌کند، دوری از خانواده و کمبود امکانات رفاهی است که در شهر وجود دارد: «این مسئله بیشتر روی افراد متأهل تأثیر دارد. مثلا فرض کنید قرار است همسرش وضع حمل کند، ولی نمی‌تواند به خشکی برگردد. در بهترین شرایط دو، سه روز طول می‌کشد که شناور بیاید و او را به خشکی برساند. اگر اوضاع دریا خراب باشد شاید این موضوع ده‌ها روز طول بکشد. کسانی که روی سکو کار می‌کنند، نمی‌توانند مراحل رشد فرزندانشان را ببینند و فقط هربار می‌بینند که بچه‌ها بزرگ‌تر شده‌اند. نمی‌توانند در مهم‌ترین مراحل زندگی در کنار خانواده خود باشند و این بسیار آزاردهنده است. ایده‌آل‌ترین حالت برای کسانی که استخدام می‌شوند این است که ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت باشد که به این می‌گویند اقامتی. من هم قراردادم به همین شکل است، ولی همه افراد این طور نیستند. بعضی کمپانی‌ها قراردادشان ۲۲ روز کار و ۸ روز استراحت است و حتی بعضی قرارداد دو ماه کار و ۱۰ روز

## پیش‌بینی

پورزند معتقد است، سخت‌ترین بخش کار روی سکو، به جز سختی‌ها و خطراتی که خواه ناخواه و به‌رغم رعایت همه موارد ایمنی، پرسنل را تهدید می‌کند، دوری از خانواده و کمبود امکانات رفاهی است که در شهر وجود دارد: «این مسئله بیشتر روی افراد متأهل تأثیر دارد. کسانی که روی سکو کار می‌کنند، نمی‌توانند مراحل رشد فرزندانشان را ببینند و فقط هربار می‌بینند که بچه‌ها بزرگ‌تر شده‌اند. آن‌ها نمی‌توانند در مهم‌ترین مراحل زندگی در کنار خانواده خود باشند و این بسیار آزاردهنده است.»

### محیط زیست: چندان هم مهم نیست!

پورزند بخش محیط‌زیست فعالیتشان را در ایران بسیار کم‌رنگ می‌داند و می‌گوید: «بخش محیط‌زیست